



بیعت علمای مشهد به محوریت آیت الله شیخ مجتبی قزوینی با امام راحل در سال ۱۳۴۲  
مرحوم آیت الله مروارید، مهدی نوقاتی، سید محمد علم الهدی، شهید صادقی و سید حسن ابطی نیز در تصویر دیده می شوند



## اختلاف نظری و هم راهی عملی

سیره سیاسی حاج شیخ مجتبی قزوینی

درگفت وگو با استاد محمد حکیمی، نویسنده و پژوهشگر

احتمال بالای حمله نظامیان، تجمع آنان اشتباه نبوده است؟ می گفتند شخصی برای متحصنان مقداری سیب آورده بود و مرحوم بهلول سیب ها را توزیع می کرد و می گفت: سیب ها را بخورید که گلوله ها را هم می خورید!

اکثراً معتقد بودند در این جا که مردم جان شان را در خطر می دیدند، باید متفرق می شدند و فرار می کردند. اما حاج شیخ مجتبی معتقد بود که ایستادگی آن ها درست بود، چون برداشت نهایی این بود که رژیم با زور و گلوله و کشتار سعی کرد حجاب اسلامی را بردارد و این نشان از استواری عقیده مردم داشت. اما اگر این کشته ها را نمی دادیم، چنین برداشت می شد که ایمانی به اسلام وجود نداشته و مردم خودشان آماده کشف حجاب و تغییر عقیده بوده اند! بنابراین کشته شدگان گوهر شاد را شهید می دانست و بر حقانیت آن ها تأکید داشت. تحلیل حاج شیخ مجتبی درباره رژیم این بود که محمدرضا پهلوی نسبت به پدرش خطرناک تر است؛ چون رضاخان به زور می خواست مردم را بی دین کند؛ اما او مقدمات بی دینی را برای بی دینی داوطلبانه مردم مهیا می کرد. می گفتند شیوه اجباری رضاخان چندان دوام نمی آورد و شیوه پسرش که فرهنگ را با فیلم و سینما و روزنامه و غیره فاسد می کند، خطرناک تر است و باعث می شود جوانان خودشان بی دین و زنان هم خودشان چادر از سر بردارند.

این ها را بعداً متوجه می شوید! نکاتی بود حاوی جهان بینی، ایدئولوژی، اصول مبارزه و غیره.

از محضر حاج شیخ مجتبی نیز بعضی دقت های اجتماعی را به یاد دارم؛ از جمله حکم کلاه شرعی ربا. بعضی از مراجع و از جمله امام (ره)، تخلص از ربا را جایز می دانستند و در رساله امام (ره) هم آمده بود. اما حاج شیخ مجتبی روایات تخلص از ربا را ضعیف و معارض با عمومات حرمت ربا می دانست. در نجف که پای درس امام (ره) بودم، نامه ای به امام نوشتم در پنجاه صفحه که یکی از مطالبش همین استدلال حاج شیخ مجتبی بر حرمت تخلص از ربا بود. امام (ره) هم مرا فراخواند و درباره مطالبی که زیرش خط کشیده بود، از من توضیح خواست. امام (ره) با لبخند فرمود: «نه؛ روایت صحیح است». در پاسخ گفتم اگر این گونه باشد که رباخواری معنا ندارد و فرار از آن خیلی ساده است! امام (ره) فرمودند: «حالا این را ببینیم» و این جریان گذشت. پس از این دیدار به مشهد رفتم و پس از دو ماه، همین که به نجف بازگشتم، سید حمید روحانی گفت: «حکیمی بشارت! امام یک صفحه از رساله اش را عوض کرده است!» امام (ره) هشت مسئله از مسائل ربا را تغییر داده بود.

حاج شیخ مجتبی افکار ضد ظلم و ضد طاغوتی محکمی داشت. آن موقع درباره کشته شدگان مسجد گوهر شاد بحث های زیادی در حوزه درمی گرفت که آیا خونشان هدر است؟ آیا با توجه به

هم بنشینند و جای بخورند! هدف امام ایجاد وحدت در میان علما و بزرگان حوزه بود. این نامه را به آیت الله میلانی هم نوشته بودند و بر همین اساس در منزل آیت الله میلانی جمع شدند؛ اما حاج شیخ مجتبی گفتند در صورتی جلسات را ادامه می دهد که فلانی که با ساواک مرتبط بود، نباشد. آن فرد تعدادی دیگر در بیت آیت الله میلانی نفوذ کرده بودند و در نهایت هم مسیر را عوض کردند و به سکوت و سازش کشانند.

### شباهت اصول فکری و اعتقادی

معتقدم که وحدت علمای مشهد با امام (ره)، به خاطر حمایت از اسلام بود. البته فکر می کنم که قدری از ارادتشان به امام نیز به خاطر باطن بینی و آینده بینی آن ها بوده است. مار و حیات و حالات حاج شیخ مجتبی را می دیدیم و امام (ره) نیز چنین حالاتی داشتند. امام (ره) می دانست که چه می شود و برای همین آن قدر محکم بود. آن تصمیم مهمی که امام پس از خلوتی چند دقیقه ای گرفت و مردم را در ۲۲ بهمن به خیابان ها فراخواند که حتی به چالش با آیت الله طالقانی انجامید، یک مسئله طبیعی نبود.

### افکار سیاسی اجتماعی

چهار سال در نجف شاگرد امام (ره) بودم و در درس های ولایت فقیه ایشان شرکت می کردم. هنگام تقریر مطالب، بعضی مباحث ایشان را بالای صفحه می نوشتم؛ رفقای نا آشنا می گفتند چرا بعضی مطالب را جدا می نویسی؟ می گفتم شما

مسئله وحدت بخش بین آن ها، قرآن و سنت بود و در مسائل زیربنایی وحدت داشتند؛ بنابراین وقتی اصل اسلام در خطر جدی قرار گرفت، به وحدت سیاسی هم رسیدند. رهبر انقلاب هم در قم به این موضوع اشاره کردند که بزرگان حوزه علمیه مشهد با وجود اختلاف نظرهای عمیق علمی، این گونه در حمایت از امام (ره) به میدان آمدند.

من با وجود همه اختلافات نظری امام (ره) و شیخ مجتبی قزوینی، هیچ فرق اصولی بین آن ها نمی بینم؛ هر دو تابع صدر صدی چهار چوب های شریعت بودند؛ اما متأسفانه به تازگی اتهاماتی را بر علمای مکتب تفکیک وارد می کنند یا نوشته اند که مکتب تفکیک و انجمن حجتیه یکی است! با این که هنوز انجمنی در کار نبود که اندیشه های تفکیک وجود داشت.

### آقایان دور هم جای بخورند!

برخی رفقای حاج شیخ مجتبی که از شاگردان میرزا هم بودند، خیلی در مبارزه وارد نشدند یا گاهی که خیلی مجبور می شدند، اعلامیه ای را هم امضا می کردند. اما هیچ یک به قدر حاج شیخ مجتبی قزوینی با میرزا اجواد آقا تهرانی که حمایتش تاپس از انقلاب و دفاع مقدس هم تداوم یافت، پای کار نبودند و خیلی راه نیامدند. بنابراین اختلاف نظر حافظ بین مکتب تفکیک و فلسفه نبود؛ درون هر مکتبی هم ممکن است اختلاف وجود داشته باشد.

حاج شیخ مجتبی می گفتند آقای خمینی نامه نوشته اند که علما هفته ای یک بار دور